



جایگاه تعلیم و تربیت در ضرب المثل های عربی خوزستان

طارق سلامات

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول،

ایران

Taregh.salamat@yahoo.com

چکیده

تعلیم و تربیت یکی از موضوعاتی است که در ضرب المثل ها مورد توجه واقع شده و جایگاهی درخور یافته است. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به بررسی جایگاه تعلیم و تربیت در ضرب المثل های عربی خوزستان پرداخته شده است. نتایج پژوهش نشان می دهد که ضرب المثل های عربی خوزستان حاوی نکات تعلیمی و تربیتی همچون: اتحاد و همبستگی، تأثیر رفتار والدین بر تربیت فرزندان، شناخت جایگاه خود و دیگران، دعوت به صبر و شکیبایی، مکافات عمل، کار و تلاش، بخشش، احتیاط، توکل به خداوند، دوری از حسد و مشورت کردن می باشد.

کلمات کلیدی: تعلیم و تربیت، ضرب المثل، عربی، خوزستان

۱. مقدمه

یکی از مؤلفه های ادبیات شفاهی ضرب المثل ها هستند. ضرب المثل ها بخشی از زبان روزمره هستند با ساختاری محکم و روان، معنایی کنایی و کاربردی عام که دربرگیرنده بزرگترین و وسیع ترین مفاهیم اخلاقی و تربیتی بوده که با توجه به اصالت و محتوای آن از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. در بیشتر داستانهای کهن که تأثیر فراوانی بر مسئله تعلیم و تربیت داشته همواره قهرمان داستان فردی خیرخواه و در راستای اهداف اصیل انسانی حکومت کرده و عداوت خیر و شر و پیروزی خیر بر شر و روشنی بر تاریکی و راستی بر کژی را می توان یافت و حالت الگویی قهرمان داستان تأثیر فراوانی بر شنونده داشته و این تأثیر به طور واضح و روشن به طور غیر مستقیم در تعلیم و تربیت نسلهای بعدی خودنمایی کرده است. تعلیم و تربیت یکی از ارکان مهم زندگی انسانی است و همین موضوع و درک این اهمیت موجب گردیده ذخایر فرهنگ عامه ما مملو از ضرب المثل ها و نکات برجسته تربیتی باشد. مراحل زندگی انسان شامل دوران کودکی، نوجوانی، میان سالی و پیری و همراه با وضعیت روحی و روانی، غم، شادی، ترس، نگرانی، دلهره و امید است و گمان نمی رود در گنجینه فرهنگ عامه در رابطه با یکی از این مقاطع سنی و یا حالات روحی و روانی مربوط به آن چیزی از کلام افتاده باشد (رش احمدی، ۱۳۸۶: ۲۱۷-۲۱۶).



در باب تعلیم و تربیت نمی توان از مبنایی واحد سخن گفت، بلکه تعلیم و تربیت دارای مبانی متعددی خواهد بود که می توان آن را به مبنای فلسفی، علمی، انسان شناختی، روان شناختی، جامعه شناختی، دین شناختی و امثال آن تقسیم کرد و هر کدام را در حوزه مطالعاتی خاصی مورد بررسی قرار داد (مشایخی، ۱۳۸۱: ۵۳-۵۱).

از آنجا که تعلیم و تربیت از ارکان زندگی اجتماعی است و ضرب المثل ها تأثیر فراوانی بر آن دارند در پژوهش حاضر، با روشی تحلیلی توصیفی و با استفاده از ابزار کتابخانه ای به بررسی جایگاه تعلیم و تربیت در ضرب المثل های عربی خوزستان پرداخته شده است.

۱.۱. پیشینه پژوهش

در حوزه ی ضرب المثل های عربی خوزستان پژوهش های چندانی انجام نگرفته است و کتاب هایی که در این زمینه منتشر شده اند، از چهار و پنج کتاب تجاوز نمی کنند از جمله: کتاب «امثال و حکم عرب خوزستان» اثر کاظم کاظم پور، «خزینة الامثال» نوشته ی حسین شاه حقیقت، «نسیم کارون» تألیف یوسف عزیزی بنی طرف و کتاب «ضرب المثل های عربی خوزستان با شرح فارسی» اثر توفیق یابری و همچنین مقاله ای با عنوان «بررسی ضرب المثل های عربی خوزستان» نوشته ی عاطفه ترابی و سید احمد حسینی کازرونی می باشد.

۲. مَثَل، ضرب المثل

مَثَل در لغت به معنای شبیه، نظیر، مانند، لنگه، حدیث، قصه و ... (ر.ک؛ نفیسی، ذیل واژه؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه؛ عمید، ذیل واژه). و در اصطلاح به معنای داستانی است که میان مردم شهرت یافته و آن را برای ایضاح مطلب و مقصود خود، به نظم یا نثر حکایت کنند. (معین، ذیل واژه). در فرهنگ آریان پور در باب مَثَل آمده است: «سخن منظوم یا مثنوی است که حاصل پیامی شخصی است و زمانی اعتبار مَثَل را به دست می آورد که در گفتار مردم تکرار شود و کاربرد یابد.» (۱۳۸۵: ۴/ ۱۵۷). حسن ذوالفقاری ضرب المثل را این گونه تعریف می کند: «مَثَل جمله ای است کوتاه، گاه آهنگین، مشتمل بر تشبیه با مضمون حکیمانه که به واسطه ی روانی الفاظ و روشنب معنا و لطافت ترکیب، بین عامه مشهور شده و آن را بدون تغییر یا با تغییراتی جزئی در گفتار خود به کار برند (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۳۳).

به طور کلی مَثَل و ضرب المثل «سخنی بلیغ و گاه موزون و آهنگین که در آن بر مبنای مشابهت، حالتی انتزاعی یا عقلی را برای تناسب با حالت شخص یا چیزی، محسوس و عینی کنند. بدیهی است ویژگی بارز آن تناسب حال و محل، ایجاز و تعبیر سائره شدن (بر زبان ها افتادن و گردیدن) است.» (عزیزی فر، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

امثله سائره بدوم تردید چکیده ی افکار و عقاید مکت هاست و افکار و عقاید نیز متأثر از اوضاع و اصول اجتماعی می باشند. امثال و حکم کامل تر از سایر ادبیات عامه و بیان کننده ی خلیقات اقوام و جوامع است. معانی و مفاهیم مجازی و استعاره ای که در امثال و حکم به کار رفته در واقع به منزله ی صحنه های نمایش می ماند که گویی اقوام و ملل، تمام خلیقات خویش اعم از غم و شادی، پندارها و خرافات، عقاید و سنن و به طور کلی



همه و همه ی این مسائل را در آن به روی صحنه می آورند و در معرض دید بینندگان و شنوندگان قرار می دهند، چه، محیط طبیعی انسان ها با تمام ویژگی هایش به صورت طنز، تعریض و کنایه در امثال و حکم شکل می گیرند و جلوه گری می کنند(پرتوی آملی، ۱۳۶۹: ۱۸).

۳. بررسی جایگاه تعلیم و تربیت در ضرب المثل های عربی خوزستان

روش های تعلیم و تربیت در ضرب المثل های عربی خوزستان، به شیوه های مختلف برای مخاطبان بیان شده است، به طوری که از لابه لای ضرب المثل های عربی خوزستان می توان نکات ارزشمند تربیتی را در موضوعات مختلف، استخراج و دسته بندی کرد. در مجموع می توان انواع روش های تعلیم و تربیت را در ضرب المثل های عربی خوزستان به شرح زیر بیان کرد:

موضوع: اتحاد و همبستگی

فرد اید ما تصفک

برگردان: یک دست به تنهایی صدا ندارد

اللحم ما یتبرأ من العظم

برگردان: گوشت از استخوان جدا نمی شود(پورکاظم، ۱۳۸۳: ۵۶).

آنه و اخوی علی ابن عمی ... وآنه و ابن عمی علی الغریب

برگردان: من و برادرم علیه پسر عمویم، و من و پسر عمویم بر ضد بیگانه ایم(همان).

گوم التساعدت ما ذکت

برگردان: گروهی که با هم متفق باشند خواری نخواهند دید.

ضرب المثل های یاد شده، درس اتحاد و همبستگی و تعاون می دهند و در راستای تعلیم و تربیت بالاترین و بهترین پند و اندرز هستند.

موضوع: تأثیر رفتار والدین بر تربیت فرزندان

شوف الأمایه و اخذ البنت

برگردان: مادر را بین دختر را بگیر(عزیزی بنی طرف، ۱۳۷۳: ۱۰۱).

برای انتخاب یک دختر به همسری، تنها زیبایی ظاهری یا ویژگی هایی که در او می بینی و مورد پسندت واقع شده کافی نیست داماد باید کارنامه مادر دختر را مورد بررسی قرار دهد و ببیند که آیا در طول زندگی در برابر ناملازمات با شوهرش ساخته است آیا توانسته با بود و نبوده های



زندگی بسازد و آیا همسر خوب و وفاداری برایشوهرش بوده، وقتی به پاسخ مثبتی در این باره رسید آنگاه می تواند مطمئن باشد که شریک خوب و ایده آلی برای زندگی آینده اش پیدا کرده است (رش احمدی، ۱۳۸۶: ۲۱۸).

ثَلَاثِينَ الْوَلَدَ عَلَي خَالَهُ

برگردان: دو سوم فرزند به دایش می رود (زلزله، ۱۴۲۴: ۵۳)

حَبَايَه و مَفْشُورَه

برگردان: مثل سببی که دو نصف کرده باشند.

الْبِرَافِجِ الْحَمِيرِ اَرْبَعِينَ يَوْمٍ يَتَعَلَّمُ الشَّهِيجِ وَ النَّهِيحِ

برگردان: اگر کسی با خران چهل روز نشست و برخاست کند هم هوی آن ها می شود.

ضرب المثل های یاد شده هنگامی به کار می روند که شخصی از شخص دیگر بسیار تأثیر پذیرفته است.

شخصیت در بین افراد و طبقات مختلف اجتماعی نیز متفاوت است و عوامل متعددی منجر به بروز رفتارهای فردی و طبقاتی می شوند. یکی از این عوامل ساخت زیستی انسان (وراثت) است؛ دیگری محیط زندگی آدمی است که بر رفتار او تأثیر مستقیم و بسزایی دارد؛ عواملی چون «خود» یا «اراده انسانی» که با اصطلاح «وجدان» نیز از آن تعبیر می کنند، در تکوین رفتارهای فردی و اجتماعی قابل توجه هستند (نوبین، ۱۳۸۷: ۹۲).

موضوع: دعوت به صلح و سازش

إِيدِ إِيْمَا إِيْتِشَايَجِهَه بوسه

برگردان: دستی را که یارای جنگیدن با آن نداری ببوس.

این ضرب المثل هنگامی گفته می شود که کسی به علت ناتوانی از انجام کار یا مسئولیتی، عکس العمل مناسب را رها کردن آن می داند و در برابر مشکلات به نوعی سازگاری روی می آورد.

موضوع: شناخت جایگاه و ظرفیت خود و دیگران

إِلْعَيْنَ مَا تَعَلَى الْعَالِحَابِ

برگردان: چشم بالای ابرو جای نمی گیرد (پركاظم، ۱۳۸۳: ۶۶).

به کارگیری این مثل، درباره ی کسی که خود را بالاتر از دانشمند و برتر از آدم شریف می داند به کار می رود.. انسان در ابتدا باید خود را بشناسد و بداند که جایگاهش در کجا قرار دارد و نسبت به کسانی که مقام و مرتبه شان بیش از اوست احترام بگذارد.



مِدِ رَجْلَكَ عَلِيَّ كَدِ اغْطَاكَ

برگردان: پایت را به اندازه گلیمت دراز کن

بلبل! ... بلبل! ... بس ریشه وینه: بلبل! بلبل!

برگردان: بلبل! ... بلبل! ... پس پر آن کو: بلبل! بلبل!

کاربرد مثل درباره ی کسی که بر جای علما قرار داده شود و آن در حالی است که جاهل احمقی بیش نیست.

ضرب المثل های یاد شده هشدار می دهند که هر انسانی باید بیندیشد که کیست و کجاست و در چه منزلتی از جایگاه اجتماعی قرار دارد و در کلام و رفتار و توقعاتش، میزان توانایی و شایستگی خود را مد نظر داشته باشد. (رش احمدی، ۱۳۸۶: ۲۲۲).

موضوع: دعوت به صبر و شکیبایی

بیت الله مَا ابْتَنَّا فَرْدِ يَوْمِ

برگردان: خانه ی خدا در یک روز ساخته نشد

کاربرد این ضرب المثل درباره ی این است که برای انجام هر کاری، باید صبر و حوصله به کار برد. عجله و احساس ناراحتی به خاطر عدم پایان کار، بیهوده و نامطلوب است (پورکاظم، ۱۳۸۸: ۸۲).

العَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ

برگردان: عجله، کار شیطان است

انسان برای رسیدن به آرزوهایش به صبر، تحمل و متانت دعوت می شود در جامعه کم و بیش افرادی را می بینیم که برای ثروتمند شدن بسیار عجله دارند و برای رسیدن به این مقصود از هیچ عملی رویگردان نیستند و در نتیجه هم کاسه شیطان خواهند شد؛ از این ضرب المثل در موارد زیادی استفاده می شود.

إِلَّا كَ بِيهَا رِضَا يَا اللَّهُ

برگردان: خدا یا رضای تو در آن است (پورکاظم، ۱۳۸۸: ۶۸).

کاربرد این مثل هنگامی است که کسی دچار حالت یا موضوعی شود که آن را دوست ندارد لذا اگر آن مورد از خواست و مشیت الهی باشد در برابر آن صبر و بردباری به خرج می دهد و مثل را می گوید.

إِصْبِرْ عَالِحْصَرَمِ تَأْكُلُهُ عَنَبٌ



برگردان: صبر کن از غوره انگور می خوری (زلزله، ۱۴۲۴: ۱۶).

إصبر و الصبر مَبْرُوكٌ تَالِيَهُ

صبر کن که آخر صبر خوش است.

ضرب المثل های یاد شده، انسان را به صبر و بردباری سفارش می کنند. صبر نوعی تحمل مشقت است که اگر با بینش الهی توأم گردد، ارزش فوق العاده ای دارد.

موضوع: مکافات عمل

تَرْزُوعٌ تَحْصِيدٌ

برگردان: هر چه بکاری همان را درو خواهی کرد.

این ضرب المثل اشاره به عملکرد انسان دارد و با زبانی ساده به ما می فهماند که در برابر اعمال خود مواظب باشیم عملکرد انسان همانند آینه بازتاب دارد.

إلْحَکَّ الرَّئِثَةُ

برگردان: سر و صدا را دنبال کن (پورکاظم، ۱۳۸۸: ۵۸).

این ضرب المثل درباره ی کسی به کار می رود که کاری انجام دهد و جزای خود را همان نوع دریافت دارد.

الدار ما تطیح إلا علی أهلها

برگردان: خانه نمی افتد مگر بر سر صاحبان آن (همان، ۵۹).

این ضرب المثل کنایه از آن است که بدی و سقوط اعمال انسان سرانجام بر سر خود او واقع می شود.

أَلْحَمَى إِمْنِنِ تَجِي؟ مِّنَ الرَّجْلَيْنِ

برگردان: تب از کجا حاصل می شود؟ از دو پا (همان، ۵۹).

کنایه از آن که هر چه برای انسان حاصل می شود از خود اوست.

ما تَحْرُکُ النَّارُ إِلَّا رِجْلَ وَأَطْيَهَا

برگردان: آتش جز پای کسی که روی آن قدم می گذارد نمی سوزاند (همان، ۳۲۴).



منظور از این ضرب المثل این که هر عملی عکس‌العملی دارد؛ یعنی انجام دهنده‌ی عمل با عکس‌العمل مناسب کار خود رو به رو می‌شود.

ضرب المثل‌های فوق اشاره به بازتاب اعمال انسان دارد.

موضوع: کار و تلاش

أَحْلَبُ حَلْبًا لَكَ شَطْرَةٌ

برگردان: شیر را به دوش سهمی از آن را ببر (همان، ۱۷).

کنایه از تشویق به درخواست و طلب کاری و نیز در عمل به مساوات مطلوب است.

أَعْطَى الْعَيْشَ الْحَبَاذَةَ وَ لَوْ تَاكَلَهُ كَلَّةٌ

برگردان: نان را به زنی که آن را می‌پزد ببخش، هر چند که تمام آن را بخورد (همان).

هدف در این جا اهمیت دادن به کار و عرق جبین است.

إِلْفَالِحِ تَتَفَلَحُ لَهُ أَيْدِيهِ

برگردان: دست کشاورز فلاح که برای او کشاورزی می‌کند (همان، ۶۸).

کاربرد این ضرب المثل درباره‌ی این واقعیت است که هر کسی برای رسیدن به هدف و خواسته‌ی خود باید خود بکوشد و زحمت بکشد در

غیر این صورت نباید توقع رسیدن به مقصود داشته باشد. کشاورز است که با کار و کوشش خود به محصول می‌رسد بنابراین آدمی در هر کار و مهارتی

که داشته باشد، باید بکوشد و از عرق جبین خود بهره ببرد.

النوم لو يفيد جان فاد أهل القبور

برگردان: خواب اگر فایده دارد، برای مردگان مفید واقع می‌شد (همان، ۷۳).

کاربرد این ضرب المثل درباره‌ی کسی است که زیاد می‌خوابد و به فکر کار، زندگی و معیشت خود و خانواده نباشد.

مَنْ جَدَّ وَجَدَ

برگردان: هر که کوشش کرد یافت (حقیقت، ۱۳۷۹: ۱۸۵).

اسعی یا عبدی و آنه آعینک! اگعد یا عبدی و آنه آهینک

برگردان: ای بنده‌ی من تو کوشش کن و من تو را یاری می‌کنم! ای بنده‌ی من تو بنشین و من تو را خوار می‌کنم.



تمامی ضرب المثل های یاد شده، بر لزوم کار و تلاش و کوشش تأکید می کنند.

موضوع: بخشش

الْكَرِيمَ لَأُتَحَلَّمَ التَّجَارِبَ

برگردان: تجربه ها آدم بخشنده را بردبار و صبور نمی کند (پور کاظم، ۱۳۸۸: ۶۹).

کاربرد این مثل درباره ی کسی است که از تجارب گذشته در زمینه ی بخشندگی خود استفاده نمی کند.

المساميح كريم

گذشت نشانه ی بزرگواری است.

بزرگترین بخشنده خداست و کل زیبایی ها از او سر چشمه می گیرد و این بزرگی و کوچکی تداوم پیدا می کند تا آن که به انسان می رسد و انسان اشرف مخلوقات است، این ضرب المثل هشدار می دهد که بزرگان قوم که دوران کودکی و جوانی و ناپختگی خود را از یاد ببرند و بدانند که فقط خداست که اشتباه نمی کند، بشر جائز الخطاست و با این دیدگاه به دنیای دور و بر خود بنگرند و در امورات زندگی جانب مهر و بخشش را فراموش نکنند و نسبت به کوچکترها و زیردستان کینه توز نباشند (رش احمدی، ۱۳۸۶: ۲۲۵).

موضوع: احتیاط

البعبه سَخَلْ يَمَعَم

برگردان: چوب را که برداری گربه دزد، فرار می کند.

إِلْعَاضَتُهُ الْخَيْهَ إِخَافٌ مِمَّ جَرَّةٍ الْخَبَلِ

برگردان: مارگزیده از حرکت ریسمان می ترسد (زلزله، ۱۴۲۴: ۱۲۴).

موضوع: توکل بر خداوند

إِذْ رَجَّحَ الرَّبُّ

برگردان: بذر را به پاش و از خدا درخواست یاری کن (پور کاظم، ۱۳۸۸: ۸).

این یک ضرب المثل عامیانه است که به لفظ فصیح آورده می شود و معمولاً کشاورزان عرب خوزستان در هنگام بذر پاشی گندم و جو به آن تمایل می جویند، زیرا کشاورز از سرانجان کار خود آگاهی ندارد. یعنی نمی داند که آیا محصولی عاید او می شود یا خیر. لذا به امید و آرزوی یاری و کمک خداوند متعال امیدوار می ماند. بنابراین، این مثل را در توجه به خدای تعالی و اعتماد به او، به کار می برند.



موضوع: دوری از حسد

نَارَ الْحَسَدِ تَسْعَرُ بِالْحَسَوْدِ

برگردان: آتش حسد در آدم حسود می سوزد (پورکاظم، ۱۳۸۸: ۳۳۴).

حسود جز حسرت از حسد خود چیزی به دست نمی آورد. زیرا رزق خدادادی است و چیزی بر آن افزوده نمی شود و سهم حسودان فقط به ناراحتی آن ها می افزاید. در حدیث آمده است که «الحسود لایسود».

موضوع: مشورت کردن

إِلْمَا عِنْدَهُ مُشِيرٌ يُحِطُ بِإِعْمَامَتِهِ أَوْ يَسْتَشِيرُ

برگردان: کسی که نزد او مشاوره نیست، خودش عمامه اش را قاضی می کند (عزیزی بنی طرف، ۱۳۷۳: ۱۱).

مشاوره در اسلام جایگاه خاصی دارد. قرآن کریم در آیاتی به اهمیت امر مشاوره و مشورت پرداخته است از جمله در سوره شوری آیه ۳۸ می فرماید: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»

۴. نتیجه گیری

مطالعه ی ضرب المثل های هر قوم، به خوبی می تواند خلیات، عادات خوب و بد، فکر و اندیشه، حساسیت ها و یا علایق مردم آن قوم را نشان دهد. «ضرب المثل ها مثل شعر از یک زوایه دارای یک تعریف مشترک هستند و آن هم رساندن پیام در کوتاه ترین جمله می باشد به این ترتیب که مردمان عادی یک جامعه، تجربیات و اندوخته های گذشتگان خود را به صورت حقایقی پذیرفته شده و در قالب جملاتی کوتاه بیان می کنند و در عین سادگی پیام عمیقی را به مخاطب منتقل می کنند» (رش احمدی، ۱۳۸۶: ۲۲۸). بررسی ضرب المثل های عربی خوزستان نشان می دهد که تعلیم و تربیت جایگاه ویژه ای در ضرب المثل ها دارد. ضرب المثل های عربی خوزستان حاوی نکاتی تعلیمی و تربیتی از جمله: اتحاد و همبستگی، تأثیر رفتار والدین بر تربیت فرزندان، شناخت جایگاه و ظرفیت خود و دیگران، دعوت به صبر و شکیبایی، مکافات عمل، کار و تلاش، بخشش، احتیاط، توکل به خدا، دوری از حسد و مشورت کردن با دیگران می باشد. ضرب المثل ها کوتاه، واضح، پربار و در طول ادوار به ما رسیده اند و چنانچه خواننده پند پذیر باشد به آسانی به معنی و هدف این گونه ضرب المثل ها دست یافته و به بهترین شیوه، آنها را در زندگی به کار می بندد.

منابع

۱. قرآن کریم



۲. آریان پور کاشانی، منوچهر و مصطفی عاصمی، (۱۳۸۵)، فرهنگ جامع پیشرو آریان پور، تهران: جهان رایانه
۳. پرتوی آملی، مهدی، (۱۳۶۹)، ریشه های تاریخی امثال و حکم، ج اول، تهران: سنی، چاپ دوم
۴. پور کاظم، کاظم، (۱۳۸۸)، امثال و حکم عرب خوزستان، ج چهارم، سوسنگرد: سرزمین خوز، ج اول
۵. حقیقت، حسین شاه، (۱۳۷۹)، خزینه الامثال، تهران: دانشگاه تهران، ج اول
۶. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۷. ذوالفقاری، حسن، (۱۲۸۶)، «هویت ایرانی و دینی در ضرب المثل های فارسی»، مطالعات ملی، س ۸، ش ۲، صص ۲۸-۳۳
۸. رش احمدی، رسول، (۱۳۸۶)، «ضری المثل های تعلیمی و تربیتی کردی»، فرهنگ مردم ایران، شماره ۱۰، صص ۲۱۵-۲۲۸
۹. زلزله، صادق، (۱۴۲۴ هـ.ق)، مجمع الامثال العامیه البغداده، اهواز: الغدیر، ج اول
۱۰. عزیززی بنی طُرف، یوسف، (۱۳۷۳)، نسیم کارون، تهران: سعدی، ج اول
۱۱. عزیززی فر، امیر عباس، (۱۳۹۲)، «زیبایی شناسی ضرب المثل های کُردی ایلامی از دیدگاه علم بیان»، فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۰۹-۱۲۸
۱۲. عمید، حسن، (۱۳۵۰)، فرهنگ عمید، تهران: جاویدان
۱۳. مشایخی، شهاب الدین، (۱۳۸۱)، اصول تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام، قم: حوزه و دانشگاه
۱۴. نفیسی، سعید، (۱۳۵۵)، فرهنگ نفیسی، تهران: کتاب فروشی خیام
۱۵. نوین، حسین، (۱۳۸۷)، «تحلیل روان شناختی امثال و حکم فارسی»، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره دهم، صص ۸۵-۱۰۸